

فقه اللغة واژه صعيد در مبحث تيمم

رمضانعلی نامدارپور *

چکیده:

چکیده: واژه صعيد در باب تيمم مورد اختلاف لغت شناسان و فقها و مفسرين قرار گرفته است و اختلاف فقهاء در باب تيمم از اين واژه سرچشمه می گيرد. چنانکه صاحب جواهرالکلام در جلد پنجم می گوید: إن منشأ الاختلاف فی التيمم بالحجر و نحوه الاختلاف فی معنى الصعيد او منشأ اختلاف را در جايز بودن تيمم بر سنگ و مانند آن را اختلاف در معنای صعيد بيان می کند. اين مقاله به شش بخش تقسيم می شود که در بخش نخست معنای لغوی و اصطلاحی تيمم و در بخش دوم معنای لغوی واژه صعيد و در بخش سوم واژه صعيد از نظر مفسرين و در بخش چهارم واژه صعيد از نظر فقهای شيعه و در بخش پنجم واژه صعيد از نظر فقهای اهل سنت و در بخش ششم واژه صعيد در شعر شعراي عرب ذکر شده است. اين مقاله سعی دارد تا معنای لغوی لفظ صعيد را در باب تيمم با مراجعه به کتب لغت شناسان و اقوال فقها و مفسرين تبیین نماید.

کلید واژه ها تيمم ، صعيد ، خاک، وجه الأرض

*عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

مقدمه:

یکی از فروع نماز است. نماز یکی از فروعات دینی می باشد. که به مقدماتی نیاز دارد و وضو یکی از مقدمات آن می باشد. نظر فقها این است که در صورت وجود آب حتماً باید وضو گرفت. حال این پرسش به ذهن می رسد که در صورت عدم وجود آب یا آنکه عذر شرعی وجود داشته باشد، تکلیف چیست؟ و چه باید کرد؟ در پاسخ به این سؤال، شارع مقدس برای نماز خواندن تیمم را تشریح کرده است. حال بحث در این است که تیمم بر چه چیزی صحیح است. در این مقاله به شرح و تفصیل آن می پردازیم. قبل از وارد شدن به بحث اصلی لازم است تا واژه تیمم نیز از نظر لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار گیرد.

معنای لغوی و اصطلاحی تیمم:

اکثر لغت شناسان بر این عقیده اند که (تیمم) از ریشه ی (م م م) گرفته شده است و به معنای قصد و آهنگ چیزی کردن است (الصاحح، جوهری، ۲۰۶۴/۵، مجمع البحرین، شیخ طریحی، ۴/۵۸۱، معجم ألفاظ الفقه الجعفری، فتح الله، ۲۵۴، المعجم الوسیط، ۱۰۶۶ و ...)

اما برخی دیگر از لغت شناسان اصل واژه تیمم را از (أمم) دانسته اند و می گویند که اُمَّةٌ قَصَدَهُ یعنی قصد او را کرد و اءْتَمَّهُ و تَأَمَّمَهُ از این لفظ است؛ والتیمم در اصل التأمم بود که همزه آن به یاء تبدیل شده و یَمَّمَهُ و تَیَمَّمَهُ نیز به همین شکل از اُمَّةٌ و تَأَمَّمَهُ تبدیل شده است. (القاموس المحيط، فیروز آبادی، ۴/۷۵، لسان العرب، ابن منظور، ۱۲/۲۲).

به هر حال همه ی لغت شناسان، خواه آنهایی که اصل ریشه کلمه تیمم را از (أمم) می دانند یا (م م م) در معنای آن همان قصد کردن و آهنگ کاری نمودن است، اتفاق نظر دارند.

و آیه « فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً » (مائده/۶) را اقصداً لصعید طیب دانسته اند، یعنی به قصد خاک پاک بروید و سپس کلمه تیمم به دلیل استعمال زیاد در مسح صورت و دو دست با خاک حقیقت در این معنای شرعی شده است اگر چه برخی تیمم را به معنای وضو گرفتن با خاک معنا کرده اند. (لسان العرب، ابن منظور، ۱۲/۲۳، الصاحح، جوهری، ۲۰۶۴/۵، مجمع البحرین، شیخ طریحی، ۴/۵۸۱).

ابن بابویه می گوید: هرگاه مسلمان برای وضو گرفتن تیمم کند باید دو دستش را یک بار بر روی زمین بزند و دستانش را به هم بزند و با دو دست پیشانی و ابروهایش را مسح کند. (به



صورت بالا) پشت دستهایش را نیز مسح کند؛ و هرگاه مسلمان برای جنابت تیمم کند یک بار دستهایش را بر روی زمین می زند سپس تکان می دهد و با دو دستش پیشانی و ابروهایش را (تا نوک بینی) مسح می کند سپس یک بار دیگر دو دستش را بر روی زمین می زند و روی پشت دو دستش کمی بالاتر از دو کف مسح کند. (مختلف الشیعة، العلامة الحلی، ۱ / ۴۳۴).

معنای لغوی واژه صعيد:

لازم به ذکر است که منشأ اختلاف فقها در معنای لغوی این لفظ است که هر یک از لغویها در معنای واژه صعيد بحث های مختلفی دارند بنابراین واژه صعيد در بین فقها دارای کاربردهای مختلفی نیست. پس نزد فقها واژه صعيد از نظر اصطلاحی بحث نمی شود و اختلافشان فقط از جنبه لغوی است.

اهل لغت برای واژه ی صعيد معانی مختلفی ذکر کرده اند. برخی از آنان واژه صعيد را به خاک معنا کردند. (الصحاح، الجوهري، ۲/ ۴۹۸، / جامع الخلاف و الوفاق ۴۷، مختار الصحاح، الرازی، ۳۶۳، اعراب القرآن، الدرويش، ۲/ ۲۲۲). (التبيان، شيخ طوسي، ۳/ ۲۰۷، وسائل الشیعة، حرعاملی، ۹۷۱) این منظور از قول ابواسحاق و الرازی نیز از قول ثعلب و برخی دیگر از لغویان لفظ صعيد را به معنای سطح و رویه زمین (وجه الارض) گرفته اند. (لسان العرب، ۳/ ۲۵۴، مختار الصحاح، ۳۶۳، التبيان، شيخ طوسي، ۳/ ۲۰۷، وسائل الشیعة، حرعاملی، ۹۷۱).

و برخی دیگر از لغت شناسان صعيد را لفظ مشترک به معنای خاک و سطح زمین ترجمه کردند، (القاموس المحيط، فیروزآبادی، ۱/ ۲۰۷، معجم الفاظ الفقه الجعفري، دكتور احمد فتح الله، ۲۵۴، المعجم الوسيط، ۵۱۴، مجمع البحرين، ۶۰۸).

معنای دیگری که برای صعيد ارائه کرده اند: صعيد از لفظ صعد به معنای صعود گرفته شده است یعنی بلند و صعيد به معنی مکان بلند از زمین است و کلمه طیب به معنای چیزی که آب از آن سرازیر می شود زمین است. (فقه الرضا، ۹۰). و در فقه اللغة الثعالبي، لفظ صعيد را به معنای خاک سطح زمین است. (نیل الأوطار، شوکانی، ۱ / ۳۲۸).

البته صعيد در معنای دیگری نیز استعمال شده از قبیل زمین، زمین پاک، قبر و هر زمینی که شن و ماسه و شوره زار نباشد، و هر زمین مرتفع و بلند نسبت به زمینی که پست باشد. (لسان العرب، ۲۵۳/ ۳).

واژه صعيد در نگاه مفسرين:

لفظ صعيد چهار بار در قرآن کریم ذکر شده است. (نساء / ۴۳، مائده / ۶، کهف / ۸، کهف / ۴۰).
 که دو بار در مبحث تیمم می باشد: «فَيَتِمُّوْا صَعِيْدًا طَيِّبًا» (نساء / ۴۳، مائده / ۶).
 کلمه «صعيد» به معنای رویه و پوست زمین است، (آنچه از ظاهر زمین به چشم می خورد) و توصیف صعيد به اینکه صعيدی طيب باشد برای اشاره به این بوده که شرط است در خاک تیمم،
 اینکه حالت اصلی خود را داشته باشد، مثلاً از خاک یا سنگهای طبیعی معمولی باشد، نه از خاکی
 که با پخته شدن و حرارت دیدن، حالت اصلی خود را از دست داده و به صورت گچ، آهک و سفال
 درآید و یا در اثر فعل و انفعالات طبیعی به صورت مواد معدنی درآمده باشد. (تفسیرالمیزان، ۵ / ۳۷۲).
 برخی از مفسرين مانند طبرسی منظور از صعيدی طيب را نجس نبودن خاک تیمم ذکر کرده
 اند و گفته اند کلمه طيب، یعنی طاهر و پاک کننده (مجمع البيان، ۳ / ۵۲).

واژه صعيد از نظر فقهای شیعه:

شیخ طوسی می گوید: چیزی که به آن تیمم صحیح است، صعيد طيب است که خداوند در کتابش ذکر کرده و آن خاک پاک است و مستحب است که خاک از قسمت‌های پایین زمین باشد و آن مکان پاک و طاهر باشد. و اگر خاک وجود ندارد تیمم کردن بر سنگها و زمینهای آهکی و سفت اشکالی ندارد. (النهاية، شیخ طوسی، ۴۹).

شیخ صدوق می گوید: خداوند عزوجل فرمودند: «فَيَتِمُّوْا صَعِيْدًا طَيِّبًا» صعيد: مکان مرتفع و بلند است و طيب: چیزی است که از آن آب سرازیر می شود. (الهدایة، شیخ صدوق، ۸۸).

شیخ مفید فرموده است: صعيد همان خاک است و صعيد نامیده شد چون روی سطح زمین وجود دارد و طيب آن است که نجاستی را در آن نیینی. مستحب است که تیمم بر بلندی و قسمت‌های بلند زمین باشد زیرا قسمت‌های بلند از قسمت‌های پایین آن پاکیزه تر است. و تیمم بر سنگهای معدنی و خاکستر و بغیر زمین از چیزهایی که روی زمین می روید، صحیح نیست (المقنعة، شیخ مفید، ۵۸). و صعيد بنابر آراء اکثر اهل لغت به خاک روی زمین اطلاق می شود. (المسائل الصاغانیه، شیخ مفید، ۱۱۶). و علامه حلی درباره تیمم کردن بر صعيد در آیه مائده می گوید: صعيد همان خاک است و خاک بخاطر اینکه بر روی سطح زمین قرار دارد به این اسم نامیده شد. (مختلف الشیعه، ۱ / ۴۲۱، مجمع البحرین، ۶۰۹). ابن ادریس حلی داستانی را در این باره نقل



می کند: عبدالله بن بکیر از زراره و او از ابو جعفر (ع) نقل کرده که فرمودند: عمار بن یاسر نزد رسول اکرم (ص) رفت و گفت: ای رسول خدا دیشب محتلم شدم و آبی نداشتم. رسول اکرم (ص) فرمودند: چگونه عمل کردی؟ عمار گفت: لباسم را درآوردم بر روی خاک افتادم و در آن غلطیدم. پیامبر فرمودند: این کار را آخر انجام می دهد؛ خداوند عزوجل فرمودند: «فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً» (نساء/ ۴۳) و دو دستش را بر روی زمین زد سپس یک دست به هم زد و پیشانی و جبین خود را مسح کرد و کف دست چپ را بر روی دست راست و کف دست راست را بر روی دست چپ مسح کرد. (السرائر، ۳/ ۵۴۴، وسائل الشیعه، ۲/ ۸-۹۷۷ و تفسیر المیزان ۵/ ۳۸۱).

صاحب جواهر حدیثی از پیامبر نقل می کند که حضرت لفظ صعيد را خاک معنا کرده است. پیامبر (ص) فرموده است: «جعلت لی الارض مسجداً و ترابها طهوراً» یعنی زمین برای من سجده گاه و خاکش پاک قرار گرفت. (جواهر الکلام، ۵/ ۱۲۱).

به هر حال منشأ اختلاف در مبحث تيمم و اینکه تيمم بر خاک جایز است یا سنگ و امثال آن به اختلاف در معنای صعيد بر می گردد. پس ما بطور جداگانه نظر فقهای شیعه و اهل سنت را در این مسئله ذکر می کنیم. شیخ طوسی می گوید: اصل کلمه صعيد از صُعُود است که عبارتند از خاکی که روی سطح زمین وجود دارد. (التبیان، ۳/ ۲۰۷)

واژه صعيد از نظر فقهای اهل سنت:

شافعی می گوید: «فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً» آنچه که به آن صعيد اطلاق می شود این است که نجاستی با آن ترکیب نشود و آن صعيد پاک است که می توان با آن تيمم کرد و بر روی هر چه که صعيد اطلاق نشود، نمی توان تيمم کرد؛ اسم صعيد فقط بر خاکی که دارای غبار است اطلاق می شود. بیابانها و تپه های سفت و سخت را صعيد نمی گویند و اگر خاکی که دارای غبار است با آن ترکیب و مخلوط شود آن صعيد است. هرگاه متيمم با دو دستش روی آن خاک بزند و غباری به آن بچسبد تيمم به آن صحیح است و اگر غباری به دستها نچسبد و با آن مسح کند تيمم صحیح نیست. و اگر خاک با آهک یا کاه نرم یا چیزهایی شبیه به آن باشد تيمم با آن صحیح نیست و باید خاک خالص (تراباً محضاً) باشد. (کتاب الأم، ج ۸/ ۶۷).

ابوحنیفه می گوید: تيمم بر هر چیزی از جنس زمین صحیح و جایز است و صعيد همان سطح زمین است: ابوحنیفه می گوید: تيمم بر آجر، آهک، سنگ معدنی، گِل، دیوار گلی، یاقوت،

زمین مرطوب و ... جایز است به شرطی که بر سطح زمین باشد. (برخلاف شافعی). شافعی می گوید که غبار باید به دستها بچسبد اما ابوحنیفه می گوید: آنچه به ما دستور داده شده است این است که بر مطلق صعيد تیمم کنیم بدون اینکه شرط چسبیدگی و تماس با دست باشد. به عبارت دیگر به نظر شافعی خاک باید دارای غبار باشد که به دست بچسبد اما ابوحنیفه می گوید نیاز به غباری نیست که به دست بچسبد و منظور از صعيد سطح زمین است. (بدائع الصنائع، ۱/ ۵۳ و جامع الخلاف و الوفاق، ۴۵، بدایة المجتهد، ۱/ ۶۱).

مالک می گوید: «فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً» هر آنچه که صعيد باشد می شود بر آن تیمم کرد خواه شوره زار باشد یا چیزهای دیگر؛ و صعيد سطح زمین است خواه سطح آن خاک باشد یا نباشد. تیمم بر هر چیزی که در سطح زمین باشد از قبیل خاک یا شن یا سنگریزه صحیح است. (کتاب الموطأ، ۱/ ۵۷).

این اختلافشان دو علت دارد: علت اول اشتراک اسم صعيد در زبان عرب است که یک بار به معنای خاک خالص بکار رفته و بار دیگر بر جمیع اجزای ظاهر زمین بکار رفته است. علت دوم در بعضی از روایتهای مشهور، اسم زمین به کار رفته است و در برخی دیگر از روایات خاک ذکر شده است. (بدایة المجتهد، ۱/ ۶۱).

واژه صعيد در شعر شاعران عرب:

عوف بن عطیة التیمی از دلاوران عرب و از شاعران بزرگ دوره جاهلی چنین سروده است:

ذَكَرْتُ مِنْ لَبَنِ الْمُخَلَّقِ شُرْبَةً
وَالْخَيْلُ تَعْدُو فِي الصَّعِيدِ يَدَا.

(المفصلیات، ۳۲۷، الصحاح، ۲/ ۴۴۴).

ترجمه: به یاد جرعه ای از شیر مخلوق افتاده ام در حالیکه گله اسبان بر روی زمین به حالت پراکنده می تاختند.

در اینجا تعدو فی الصعيد به معنای تعدو علی الارض و یا فوق الارض است یعنی حرکت گله اسبان در سطح زمین است. (وجه الارض)

شاعر معروف دوره امویان به نام اخطل سروده است:

فَأَحْمَى رَأْسَهُ بِصَعِيدِ عَكٍّ
و سَائِرَ خَلْقِهِ بِجِبَا بَرَاقٍ.

(معجم ما استعجم، ۲/ ۳۶۰، و لسان العرب، ۹/ ۳۴۲).



ترجمه : او از رئیس قبیله خود در سرزمین قبیله عک و از دیگر بستگانش در منطقه جبابراق حمایت کرد.

که در این بیت نیز لفظ صعید به معنای سطح زمین آمده است یعنی فوق الارض یا وجه الارض .

جریر شاعر اموی سروده است :

إِذَا تَيْمٌ ثَوَّتْ بِصَعِيدِ أَرْضِي
بَكَتْ مِنْ خُبْتِ لَوْمِهِمُ الصَّعِيدُ .
(لسان العرب ، ۷ / ۳۳۳).

ترجمه : اگر بنی تیمم در سرزمینی اقامت گزینند به سبب زشتی نکوهش آنها زمین می‌گیرد.

در این بیت نیز صعید به معنای سطح زمین است ، زیرا اقامت کردن بر روی زمین و سطح آن است.

و صعید أرض اضافه معنوی است و در بردارنده معنای مِن بیابانه است یعنی (صعید من أرض)
ابن اَبی الحدید معتزلی سروده است :

وَصَعِيدُ بَيْتٍ حَلَّةٌ فَرَكَائِبِي
تَسْعَى بِه دُونَ الْبَيْوتِ وَ تَرْمَلُ .
(الهاشميات و العلويات/۱۴۹)

ترجمه : و خاک خانه ای که به خانه وارد شد و در آن نشست ، و من سوار بر مرکبم به همان صورت که حاجیان «میان صفا و مروه» (در برابر کعبه) به غیر از خانه های دیگر سعی می کنند و هر وله کنان حرکت می کنند، سفر می کنم.

در این بیت اگرچه صعید به معنای خاک است ولی با قرینه ای در این معنا بکار رفته است و آن قرینه کلمه های بیت و حل می باشد زیرا آنچه در خانه می نشیند خاک است با توجه به موارد فوق می توان نتیجه گرفت که صعید در لغت به معنای مطلق وجه الارض بکار رفته است و شکی نیست که اصل در استعمال با نبود قرینه حقیقت است و صعید دارای یک معنای حقیقی و آن مطلق وجه الارض است.

و اما آنچه که در کتب لغت مشاهده می شود که بیان معانی مختلفی بخصوص تراب خالص و یا وجه الأرض می باشد دلالتی بر اشتراک این لفظ ندارد، زیرا لغویین در مقام بیان موارد استعمال هستند و نه تمییز معنای حقیقی از معنای مجازی، چنانکه اصولی بزرگ در کتاب وسائل

در باب حجیت قول لغوی بیان فرموده است. (اصول البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع / ۲۰۲)

نتیجه :

فقهها در مسأله تیمم اختلاف نظر دارند و اختلاف آنها از معانی لغوی واژه صعيد نشأت گرفته است. وما با توجه به بررسی اقوال لغویان و بررسی اشعار عرب به این نتیجه دست یافتیم که واژه صعيد به معنای مطلق وجه الارض است به عبارت دیگر معنای واژه صعيد سطح زمین است و در مواردی که در خاک استعمال شده است همراه با قرینه ای در کلام بوده است.

منابع و مأخذ:

۱- قرآن کریم

- ۲- ابن ادریس الشافعی، الامام ابی عبدالله محمد، الأم، دارالفکر، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ هـ، ۱۹۸۳ م
- ۳- ابن رشد القرطبی الأندلسی، أبو الولید، محمد بن احمد بن محمد بن احمد، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، دارالفکر، بیروت، لبنان، ۱۴۱۵ هـ، ۱۹۹۵ م.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، الطبعة الثالث، ۱۴۱۳ هـ، ۱۹۹۳ م.
- ۵- البکری الأندلسی، عبدالله بن العزیز، معجم ما استعجم، بیروت، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ هـ، ۱۹۸۳ م.
- ۶- الجوهری، اسماعیل بن حماد، دارالعلم للملایین، الطبعة الاولى، القاهرة، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۷ هـ، ۱۹۸۷ م.
- ۷- الحرّ العاملی، الشیخ محمد بن الحسن، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ هـ. ق.
- ۸- الحلی، محمد بن ادریس، السرائر، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، الطبعة الثانية، ۱۴۱۰ هـ. ق.
- ۹- الدرریش، محیی الدین، اعراب القرآن الکریم، دار ابن کثیر، بیروت، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۷ هـ، ۱۹۹۶ م.
- ۱۰- الرازی، محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر، مختار الصحاح، دارالکتب العلمیة، بیروت، لبنان، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ هـ، ۱۹۹۴ م.
- ۱۱- السرخسی، شمس الدین، المبسوط، دارالمعرفة، بیروت، لبنان.
- ۱۲- الشهید الثانی؛ زین الدین بن علی العاملی، مسالک الافهام الی تنفیح شرائع الاسلام، مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ هـ. ق.

- ۱۳- الشوكاني ، محمدبن علي بن محمد ، **نيل الاوطار** ، دارالجيل ، بيروت ، لبنان ، ۱۹۷۳ م .
- ۱۴- الشيخ الصدوق ، ابوجعفر، محمدبن علي بن بابويه القمي ، **المقنع** ، مؤسسة الامام الهادي ، مطبعة اعتماد ، قم ، ۱۴۱۵ هـ .
- ۱۵- الشيخ الصدوق ، ابوجعفر، محمدبن علي بن بابويه القمي ، **الهداية** ، مؤسسة الامام الهادي ، مطبعة اعتماد ، قم ، الطبعة الاولى ، ۱۴۱۸ هـ . ق .
- ۱۶- الشيخ الطريحي ، فخر الدين ، **مجمع البحرين** ، مكتب نشر الثقافة الاسلامية ، الطبعة الثانية ، ۱۴۰۸ هـ . ق ، ۱۳۶۷ هـ . ش .
- ۱۷- الشيخ المفيد ، المسائل الصاغانية، **تحقيق السيد محمد القاضي** ، الطبعة الاولى ، المطبعة مهر، قم ، ۱۴۱۳ هـ . ق .
- ۱۸- الشيخ المفيد ، المقنعة ، **مؤسسة النشر الاسلامي** ، قم ، الطبعة الثانية ، ۱۴۱۰ هـ . ق .
- ۱۹- الصالح ، صالح علي ، **الروضة المختارة** ، شرح القصائد الهاشميات للكثير بن زيد الاسدي - القصائد العلويات السبع لابن أبي الحديد المعتزلي ، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات ، بيروت ، لبنان ، بدون تاريخ .
- ۲۰- الطبرسي ، الشيخ ابوعلی الفضل بن الحسن، **مجمع البيان** ، مكتب العلمية الاسلامية ، طهران .
- ۲۱- الطوسي ، ابوجعفر محمدبن الحسن ، **التبيان في تفسير القرآن** ، دار إحياء التراث الاسلامي ، الطبعة الاولى ، ۱۴۰۹ هـ . ق .
- ۲۲- الطوسي ، ابوجعفرمحمدبن الحسن ، **النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى** ، انتشارات قدس محمدی ، قم ، بدون تاريخ.
- ۲۳- العلامة الحلّي ، أبومنصور حسن بن يوسف بن المطهر الأسدی ، **مختلف الشيعة** ، مؤسسة النشر الاسلامي ، قم ، الطبعة الاولى ، ۱۴۱۲ هـ . ق .
- ۲۴- الفراهيدي ، الخليل بن احمد ، **العين** ، مؤسسة دارالهجرة ، الطبعة الثانية في ايران ، ۱۴۰۹ هـ .
- ۲۵- الفقيهي ، علي ، **اصول البلاغه في المعاني و البيان و البديع** ، الطبعة الثانية، قم، ۱۳۸۶ .
- ۲۶- الفيروز آبادی ، مجدالدين ، محمدبن يعقوب ، **القاموس المحيط و القابوس الوسيط في اللغة** ، دارالعلم للجميع ، بيروت ، لبنان ، بدون تاريخ .
- ۲۷- القمي السبزواري ، الشيخ علي بن محمد بن محمد ، **جامع الخلاف والوافق** ، قم ، انتشارات زمينه سازان ظهور امام عصر (عج) ، الطبعة الاولى ، ۱۳۷۹ .
- ۲۸- الكاشاني الحنفي ، الامام علاءالدين ابى بكر ابن مسعود ، **بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع** ، المكتبة الحبيبية ، باكستان ، الطبعة الاولى ، ۱۴۰۹ هـ . ق ، ۱۹۸۹ م .
- ۲۹- المفضل الضبيّ، المفضليات، **نحقيق و شرح از احمد محمد شاكرو عبدالسلام محمدهارون** ، دارالمعارف ، مصر ، الطبعة العاشرة ، ۱۹۹۲ .

- ۳۰- النجفی، الشیخ محمدحسن، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپخانه خورشید، چاپ سوم، ۱۳۶۷.
- ۳۱- انیس، ابراهیم و جمعی از مؤلفین، **المعجم الوسیط**، دارالدعوة، استانبول، ترکیه، ۱۹۸۹ م.
- ۳۲- طباطبائی، علامه سید محمدحسین، **تفسیرالمیزان**، دفترانتشارات اسلامی، قم. بدون تاریخ.
- ۳۳- فتح الله، الدكتور احمد، **معجم ألفاظ الفقه الجعفری**، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ هـ. ۱۹۹۵ م.



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

